



بنام خداوند جان و خرد



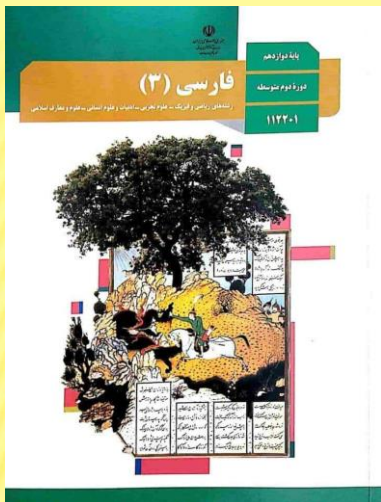


موفقیت از آن کسی است که خودباور دارد.



میراث فرهنگی هر ملتی، ادبیات آن ملت است.





معرفی

× عنوان پایه: دوازدهم تجربی

× عنوان درس: فارسی (۳)

× عنوان مبحث: درس سوم: آزادی - دفتر زمانه

× دبیرستان: استعدادهای درخشان فرزندگان (شهرستان کوهدشت)

× دبیر: خانم تیموری

× آبان ماه ۱۳۹۹

معرفی

عنوان: آزادی
دفتر زمانه

قالب شعر: غزل
درون مایه: وطن پرستی، دفاع از وطن، مبارزه با استبداد، ارزش نهادن
به اندیشمندان، قناعت و بی توجهی به تعلقات دنیایی

قلمرو فکری

- ۱- درک و دریافت متن درس
- ۲- دریافت مفاهیم مشترک در ابیات فرامتنی

قلمرو ادبی

- ۱- غزل اجتماعی
- ۲- بررسی کاربرد آرایه های ادبی (مجاز، تلمیح و استعاره)

قلمرو زبانی

- ۱- معادل معنایی واژه (ترادف، هم ریشگی)
- ۲- بررسی نقش اجزای جمله
- ۳- بررسی انواع حذف

معرفی

هدف‌های آموزشی

- ۱ آشنایی با ادبیات پایداری و شاعران آزادی‌خواه؛ فرخی یزدی و عارف قزوینی (علم)
- ۲ آشنایی با شعر پایداری و مفاهیم آن (علم)
- ۳ درک صحیح و خوانش متن درس با لحن مناسب (عمل)
- ۴ تقویت باورهای ترغیب به عدالت، آزادی، پایداری و مبارزه در راه حق (ایمان و اخلاق)
- ۵ کاربست آموزه‌های محتوایی متن درس در حوزه قلمروهای زبانی، ادبی و فکری (عمل)
- ۶ توانایی درک پیام‌های آموزشی و اخلاقی متن درس مانند قناعت، دوری از وابستگی‌های مادی و... (تفکر)

ادبیات پایداری

کوشش

ادبیات پایداری

در این فصل، متن‌هایی را می‌خوانیم که در آنها نویسنده یا شاعر، تفکر آگاهی‌بخش یا انتقادی خویش را دربارهٔ دادگری، عدالت‌خواهی، بیدادگری، ستم‌ستیزی، آزادی و حق‌جویی، بازگو می‌کند. به این گونه متن‌ها که در حقیقت، فریاد مظلومیت آزادی‌خواهان را به گوش می‌رساند و خواننده را به ایستادگی، مبارزه و سازش‌ناپذیری در برابر ظلم، فرا می‌خواند، «ادبیات پایداری» یا «ادب مقاومت» می‌گویند.

ایستادگی در برابر بیدادگری‌های اشخاص و حکومت‌های ظالم در تاریخ همهٔ ملت‌ها دیده می‌شود؛ هنگامی که یک ملت یا جامعه به مبارزه با عوامل استبداد و استکبار داخلی یا تجاوز بیگانگان بر می‌خیزد، از سروده‌ها یا نوشته‌هایی بهره می‌گیرد که موضوع اصلی آنها، ستایش آزادی و آزادی‌خواهی و دعوت به مبارزه و پایداری در برابر بیدادگران است.

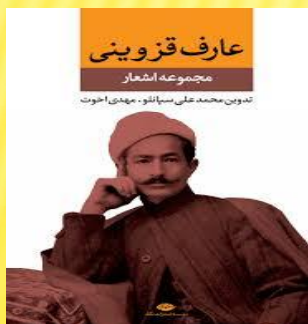
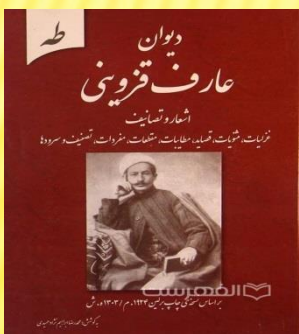
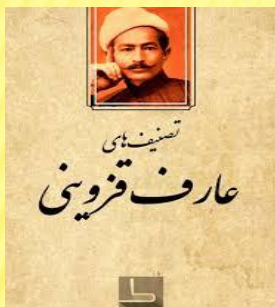


ادبیات پایداری

فرانس سوبار آزادی
گر که متن‌ها را می‌خوانی
تو شکست‌ناپذیر
فرانس چهارم فرانس (از ادبیات پویا ۱)
گر که متن‌ها را می‌خوانی
فرانس پهلوان مقاومت
گر که متن‌ها را می‌خوانی
روزان هوش، جانوس، که آغ بودا



آزادی



❖ **شاعر:** ابوالقاسم عارف قزوینی

❖ **قالب:** غزل اجتماعی

❖ **موضوع:** شعر وطنی / میهن دوستی / بیگانه‌ستیزی و مقابله با سلطهٔ بیگانگان /

ترسیم بیدادگری محمدعلی شاه قاجار.

❖ **دوره رواج:** مشروطه - بیداری

❖ **لحن:** وطنی (میهنی)

❖ **نوع ادبی:** ادبیات پایداری

❖ **عارف قزوینی،** تصنیف و ترانه سراسر است. به «شاعر مردمی» مشهور است.

مهمترین اثر وی، «دیوان اشعار» است. یکی از مهمترین مضامین شعر وی، تفکر

«ملی‌گرایی» و «برتری حسّ ناسیونالیستی» در اشعار اوست.

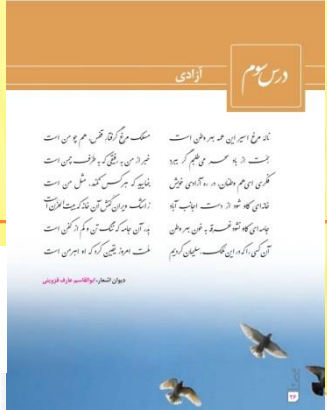
❖ **از دیگر سراینندگان غزل اجتماعی،** می‌توان «محمدتقی بهار» و «فرخی یزدی»

را نام برد.

❖ **مهمترین مضامین** «غزل اجتماعی»، بیان مسائل سیاسی و اجتماعی است.

ناله مرغ اسیر این تر برده‌ی است / مسلک می‌گردد نقش هم به من است
 هست در چه مس یوم که بود / غم‌دین به پیش، در قفس به من است
 کفری می‌مردم، به کاه می‌فشان / بانی که بر سرش کش، مثل من است
 ندای که نه دست هدایت بود / زانک در این کجای بی‌کارتی‌ها است
 پنداری که نه نشسته، غن برده‌ی / به آن بانکه‌نگ می‌گردد کجای است
 کنی که گاه این کسب سبیلی کم / هست اندر پیش که که به من است

پهلوان شاعر، بهادری، باره، فردوسی



درنامه درس سوم پایه دوازدهم: «آزادی» - دفتر نهم: فرزاد محان گوهرشت - آبان ماه ۱۳۹۹ - تیموری

۱- ناله مرغ اسیر این همه، بهر وطن است ** مسلک مرغ گرفتار قفس، همچو من است

قلمرو زبانی: ۲ جمله / هر دو جمله، سه جزئی با مسند / ناله مرغ اسیر: گروه نهادی / ناله: هسته و نهاد. (اسم، از ریشه نالیدن) / مرغ: پرنده، مضاف‌الیه / اسیر: صفت مضاف‌الیه / این همه: ضمیر مبهم در نقش قید / بهر: برای (هم‌آوا ← بحر: دریا) / مسلک: روش، طریق / گرفتار قفس: زندانی (گرفتار: صفت مفعولی با ساختار صفت فاعلی: گرفته شده و اسیر). / مسلک مرغ گرفتار قفس: گروه نهادی (مسلک: هسته و نهاد / مرغ: مضاف‌الیه / گرفتار: صفت مضاف‌الیه / قفس: وابسته وابسته از نوع مضاف‌الیه مضاف‌الیه) / همچو: مانند / من: متمم / همچو من: متمم مسندی / است: فعل اسنادی، مضارع اخباری / ترکیب وصفی: مرغ اسیر، مرغ گرفتار / ترکیب اضافی: ناله مرغ، مسلک مرغ، مرغ قفس / هم‌خانواده مسلک: سالک، سلوک / مرغ و قفس: رابطه معنایی تناسب / اسیر و گرفتار: تناسب.

قلمرو ادبی: قالب: غزل اجتماعی / ناله: استعاره از شعر و نغمه شاعر / مرغ: استعاره از خود شاعر و یا نماد آزادی خواهانی که به فکر رهایی و آزادی مردم از اوضاع نابسامان و خفقان بار حاکم بر جامعه هستند. / مسلک مرغ گرفتار همچو من: تشبیه، تشخیص / مرغ: جناس همسان (تام)؛ چون مرغ اول استعاره از شاعر و منظور از مرغ مصرع دوم، پرنده است / مرغ، گرفتار، قفس، اسیر: مراعات نظیر / واج آرای: مصوت کسره و صامت «م» و «س».

قلمرو فکری: شعر و نغمه پرنده اسیر (خود شاعر) برای وطنش است. روش مرغ در قفس افتاده نیز همانند من است.

مفهوم: میهن دوستی.

نکته: در این درس، هر دو بیت است
 است: در به سحر می‌طلبم که خبر
 کنونی می‌طلبم، در به سحر می‌طلبم
 کنونی می‌طلبم، در به سحر می‌طلبم
 کنونی می‌طلبم، در به سحر می‌طلبم
 کنونی می‌طلبم، در به سحر می‌طلبم
 کنونی می‌طلبم، در به سحر می‌طلبم

مجموعه شعرهای فارسی دوره سده هجری

آزادی

درسنامه درس سوم پایه دوازدهم: «آزادی - دفتر زمزمه»: فرزاد کمانگر کوهپوش - آبان ماه ۱۳۹۹ - تیموری

۲- همت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است

قلمرو زبانی: ۳ جمله / شیوه بلاغی / همت از باد سحر می‌طلبم: جمله هسته، گر ببرد خبر از من به رفیقی: جمله وابسته، (او) به طرف چمن است: جمله وابسته) / همت: گرایشی نیرومند به پیشرفت و دستیابی به هدفهای والا(در اینجا به معنی کمک)، در اصطلاح تصوف عبارت است از توجه قلب با تمام قوای روحانی خود به جانب حق (۱-عزم و اراده ۲- دعای خیر، کمک. (نقش دستوری: مفعول) / باد: متمم / سحر: مضاف‌الیه / می‌طلبم: فعل مضارع اخباری فعل گذرا به مفعول و متمم / گر: مخفف اگر: حرف ربط وابسته‌ساز / ببرد: مضارع التزامی / خبر: مفعول / من: متمم / رفیقی: متمم / که: حرف ربط وابسته‌ساز / طرف: کنار، کناره / به: در: به طرف: متمم / رفیقی که به طرف چمن است: دوستان آزاد شاعر، آزادگان / است: حضور دارد؛ غیر اسنادی. / ترکیب وصفی: ندارد / ترکیب اضافی: باد سحر ، طرف چمن.

قلمرو ادبی: یاری خواستن از باد سحر: تشخیص، استعاره، / باد سحر: نماد پیام‌رسانی / واج آرایی «ب»، «ر» / چمن، من: جناس ناهمسان افزایشی ؛ که ، به: جناس ناهمسان / چمن: مجاز از باغ و بوستان ؛ اینجا مجاز از کشور ایران / به طرف چمن است: کنایه از این که آزاد است.

قلمرو فکری: یاری و کمک از باد بامدادی می‌خواهم که پیام مرا به یارم که در باغ و بوستان آزادانه خوش می‌گذراند برساند تا برای آزادی من کاری انجام دهد.

مفهوم: درخواست کمک / من با شعرم، مردم را از حال شاعرانی آگاه می‌سازم که به خاطر سرودن از آزادی گرفتار شده‌اند.

نبرد آزادی برای برتری است / کتب می آید که حق من است
 هست در همه ی علم که بود / فردی و علقه و دقت می است
 کفری می می جان در گاه می / بنده که بر کس که حق من است
 ندی که نه دست ابد که / رنگ می کنی بیگانه است
 چندی که که شسته و حق من / بر آن با کس که که در آن است
 حق که که این کس علی که / هست اندیشی که که من است

معاون نشر و چاپخانه داران

در نامه درس سوم پایه دوازدهم: «آزادی- دفتر زمانه»: فرزاد محان کوهپشت- آبان ماه ۱۳۹۹- تیموری

۳- فکری ای هموطنان در ره آزادی خویش ** بنمایید که هر کس نکند، مثل من است

قلمرو زبانی: ۵ جمله: (۱. ای هموطنان: ندا و منادا) (شبه جمله) ۲. (با شما هستم): به قرینه معنوی محذوف است ۳. فکری در ره آزادی خویش بنمایید ۴. که هر کس [فکری] نکند ۵. [او] همچو من است / فکری: مفعول / ره: متمم / آزادی: مضاف الیه / خویش: ضمیر مشترک، در نقش مضاف الیه مضاف الیه / حذف به قرینه لفظی: فکری در مصراع دوم / که: ربط وابسته ساز / هر کس نکند: (هر کس : نهاد؛ هر: صفت مبهم / (فکری): حذف مفعول به قرینه لفظی / مثل: حرف اضافه: من: متمم / (مثل من: متمم مسندی) / (است: فعل اسنادی، مضارع اخباری) / فکری در ره آزادی خویش بنمایید: جمله هسته / جمله که هر کس (فکری) نکند: جمله وابسته / [او: نهاد محذوف] مثل من است: جمله هسته / ترکیب وصفی: هر کس / ترکیب اضافی: ره آزادی ، آزادی خویش .

قلمرو ادبی: فکری بنمایید: کنایه از کاری انجام دهید، چاره‌ای بیندیشید / هر کس فکری نکند، مثل من: تشبیه / جناس: هر ، در / واج آرایبی: مصوت «ی»، صامت «ر».

قلمرو فکری: ای هموطنان برای آزادی خود و وطنتان کاری انجام دهید؛ وگرنه شما نیز مانند من گرفتار و زندانی می‌شوید.

مفهوم: توصیه به مردم برای چاره‌اندیشی در مورد آزادی و تدبیر و اندیشیدن به اوضاع نامناسب جامعه.



۴- خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد * * اشک ویران کنش آن خانه که بیت‌الحزن است

قلمرو زبانی: ۳ جمله / جمله اول و دوم: شیوه بلاغی / خانه‌ای: مفعول / خانه‌ای را ز اشک ویران کنش : جمله هسته / کاو شود از دست اجانب آباد: جمله وابسته ، که آن خانه، بیت‌الحزن است: جمله وابسته / کاو: که او، مرجع ضمیر آن «خانه» که: حرف ربط وابسته‌ساز / او: نهاد جمله وابسته، ویژگی سبکی: کاربرد ضمیر جاندار برای غیرجاندار / شود: بشود(فعل اسنادی و مضارع التزامی) / از: به / دست: متمم / اجانب: ج اجنبی، بیگانگان (مضاف‌الیه) / آباد: مسند / ز: از / اشک: متمم / ویران: مسند / کن «گردان: فعل اسنادی / ضمیر «ش» در کنش: مفعول / بدل از خانه اول / آن خانه: تکرار / که: حرف ربط وابسته‌ساز / بیت‌الحزن: خانه اندوه ، غمگده، ماتمکده / [آن خانه] بیت‌الحزن است: (حذف نهاد به قرینه لفظی) / بیت‌الحزن: مسند. / بیت و خانه: ترادف / آباد و ویران: تضاد.

ترکیب وصفی: آن خانه / ترکیب اضافی: دست اجانب / اشک و بیت‌الحزن: تناسب.

برای نقش دستوری واژگان (خانه اول / او / ضمیر «ش» / آن خانه) دو گزینه وجود دارد:

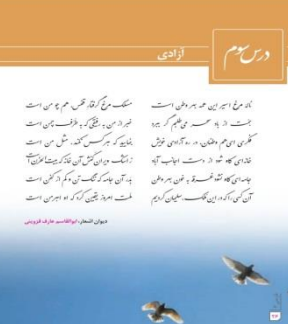
۱. (خانه‌ای: مفعول فعل کن / او: نهاد جمله وابسته / ضمیر «ش»: بدل از خانه اول / آن خانه: نقش تبعی تکرار)

۲. (خانه‌ای: نهاد / او: بدل / ضمیر «ش»: مفعول / آن خانه: نهاد)

نقش‌های گزینه اول، ارجحیت دارد.

قلمرو ادبی: خانه: استعاره از کشور و میهن / دست: مجاز از توان و نیرو ، تدبیر/ با اشک ویران کردن :اغراق / تلمیح: اشاره به داستان حضرت یعقوب / آباد، ویران: تضاد / (آن خانه) بیت‌الحزن است: تشبیه بلیغ اسنادی / واژه‌آرایی: خانه ، که / واج‌آرایی مصوت بلند «ا» و صامت «ن» / جناس ناهمسان: دست، است.

قلمرو فکری: کشوری که با توانمندی و امکانات بیگانگان آباد شود، باید آن کشور را با اشک مردم ویران کرد؛ زیرا آن کشور همانند ماتمکده است نه کشور / **مفهوم:** بیگانه ستیزی، عدم وابستگی به بیگانگان.



۴- خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد * * ز اشک ویران کنش آن خانه که بیت‌ال‌حزن است

قلمرو فکری: کشوری که با توانمندی و امکانات بیگانگان آباد شود، باید آن کشور را با اشک مردم ویران کرد؛ زیرا آن کشور همانند ماتمکده است نه کشور.

مفهوم: بیگانه ستیزی، عدم وابستگی به بیگانگان.

قرابت معنایی با ابیات:

- | | | |
|--|-----|-----------------------------------|
| ۱. آشیان من بیچاره اگر سوخت چه باک | * * | فکر ویران شدن خانه صیاد کنید |
| ۲. آنان که در راه وطن از جان گذشته‌اند | * * | ایران ز خونشان شده آباد زنده باد |
| ۳. وطن پرست دهد جان خود به راه وطن | * * | به حرف یاوه و جان دادن زبانی نیست |
| ۴. کِشت آزادی سیرای ز خون باید، لیک | * * | این تمنا کسی از ملت بی‌خون نکند |

بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است
 قلمرو ادبی: جامه: مجاز از تن، وجود / غرقه به خون: آغشته به خون، کنایه از جان فشانی / بدر آن جامه: کنایه از نبود کن / تن: مجاز از انسان / واج آرایبی «ن»، «ک» / واژه آرایبی: جامه / جامه، تن، کفن: تناسب

موسیقی: قلمرو ادبی: جامه: مجاز از تن، وجود / غرقه به خون: آغشته به خون، کنایه از جان فشانی / بدر آن جامه: کنایه از نبود کن / تن: مجاز از انسان / واج آرایبی «ن»، «ک» / واژه آرایبی: جامه / جامه، تن، کفن: تناسب

در نامه درس سوم پایه دوازدهم: «آزادی - دفتر نامه»: فرزاد محان گویدشت - آبان ماه ۱۳۹۹ - تیموری

۵ - جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن * * بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است

قلمرو زبانی: ۴ جمله / جامه: لباس: مفعول / کاو نشود غرقه به خون بهر وطن: کاو: که او، مرجع ضمیر آن «جامه» که: ربط وابسته‌ساز / او: نهاد جمله وابسته / نشود: فعل اسنادی / غرقه به خون: مسند / / بهر: برای (هم‌آوا ← بحر: دریا) / وطن: متمم / بدر: پاره کن (بن ماضی: درید، بن مضارع: در) / آن جان: ترکیب وصفی: جامه تکرار برای جامه اول / که: زیرا که / ننگ: بی آبرویی، شرمندگی: مسند / تن: مضاف‌الیه / [آن جامه] ننگ تن [است]: (حذف نهاد و فعل به قرینه لفظی) / او: ربط هم‌پایه‌ساز / [آن جامه] کم از کفن است: کم: کمتر، کم ارزش‌تر: مسند / کفن: متمم. (جمله سه جزئی با مسند) (حذف نهاد به قرینه لفظی).

برای نقش دستوری واژگان (جامه‌ای اول / او / آن جامه) دو گزینه وجود دارد:

۱. (جامه‌ای: مفعول فعل بدر / او: نهاد جمله وابسته / آن جامه: نقش تبعی تکرار برای جامه اول)
۲. (جامه‌ای: نهاد / او: بدل / آن خانه: مفعول)

نقش‌های گزینه اول، ارجحیت دارد، با توجه به تفکیک نقش‌های دستوری جمله هسته و وابسته.

قلمرو ادبی: جامه: مجاز از تن، وجود / غرقه به خون: آغشته به خون، کنایه از جان فشانی / بدر آن جامه: کنایه از نبود کن / تن: مجاز از انسان / واج آرایبی «ن»، «ک» / واژه آرایبی: جامه / جامه، تن، کفن: تناسب

قلمرو فکری: انسانی که برای کشورش جان فشانی نکند، آن را باید نبود کرد؛ زیرا باعث ننگ انسان است و کم ارزش‌تر از کفن. **مفهوم:** جان فشانی برای وطن.

تاریخ ایران در برهمنی است
 گشت در چه مسه می هم که بود
 کفری می هم بدان در گاهای خوش
 ندری که نه دست اینست که
 پنداری که نه شسته، فن برهمنی
 آن کی که در این گسب یعنی کرم

دیوان شعر ابوالقاسم عارف قزوینی

درسنامه درس سوم پایه دوازدهم: «آزادی- دفترنامه»: فرزادحاجان کوهپشت- آبان ماه ۱۳۹۹- تیسری

۶- آن کسی را که در این مُلک، سلیمان کردیم * * ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است

قلمرو زبانی : ۳ جمله / مصرع اول، جمله وابسته ، / ملت امروز یقین کرد: جمله هسته، / که او اهرمن است: جمله وابسته / آن کسی را: مفعول: ترکیب وصفی / که: حرف ربط وابسته ساز، / (نهاد اختیاری «ما» نهاد محذوف) در این ملک: ترکیب وصفی: این: صفت اشاره، ملک: متمم، مُلک: سرزمین، پادشاهی، فرمانروایی، کشور / سلیمان: مسند / کردیم: فعل اسنادی / ملت: نهاد / امروز: قید / یقین کرد: فعل مرکب / که: حرف ربط وابسته ساز / او: نهاد / اهرمن: اهریمن، شیطان: مسند. / است: فعل اسنادی / ترکیب وصفی: آن کسی ، این ملک / ترکیب اضافی: ندارد / آن کسی: منظور محمدعلی شاه / اهرمن: شیطان / سلیمان و اهرمن: تناسب و تضاد.

قلمرو ادبی: تلمیح / واج آرایی «ک» و «ن» / سلیمان، اهرمن: تضاد / سلیمان کردیم: تشبیه، به فرمانروایی رساندیم / مراعات نظیر: ملک، سلیمان، اهرمن / او اهرمن است: تشبیه / متناقض نما: سلیمانی که اهریمن است.

قلمرو فکری: آن کسی را در کشورمان همانند سلیمان به فرمانروایی رساندیم، مردم امروز فهمیدند که او شیطان بوده است.

دیوان اشعار ابوالقاسم عارف قزوینی

مفهوم: فساد فرمانروایان / بیدادگری محمدعلی شاه قاجار



دفتر زمانه

- ❖ **شاعر:** فرخی یزدی
- ❖ **محتوا و مضمون:** طرح مسائل اجتماعی از جمله: ارزش علم و اندیشه قناعت‌ورزی / عدالت و دادگری.
- ❖ **مهمترین اثر وی:** دیوان اشعار
- ❖ **دوره رواج اشعار:** مشروطه - بیداری
- ❖ **لحن:** وطنی (میهنی)
- ❖ **نوع ادبی:** ادبیات پایداری
- ❖ **مهمترین مضامین و مفاهیم اجتماعی در اشعار فرخی یزدی:** آزادی‌خواهی، وطن‌دوستی، بیگانه‌ستیزی.

۱- هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت * * آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت

❖ **قلمرو زبانی:** ۴ جمله / جمله سوم: نداشت غم (شیوه بلاغی) / غم چیزی را داشتن: به خاطر آن غصه خوردن / هرگز و آری: قید / دلم: نهاد / ضمیر «م»: مضاف الیه / کم و بیش: متمم ، رابطه معنایی تضاد / غم: مفعول / آری: شبه جمله (نقش قید) / [دلم] غم نداشت: حذف نهاد به قرینه لفظی / غم: مفعول / که: حرف ربط وابسته ساز، که [دلم: حذف نهاد به قرینه لفظی] غم بیش و کم نداشت. غم: مفعول / بیش و کم: مضاف الیه (چون به معنای مصدری هستند؛ یعنی غم بیش و کم داشتن) / کم و بیش، بیش و کم: صنعت عکس و طرد / ترکیب وصفی: ندارد / ترکیب اضافی: دلم ، غم بیش، غم کم.

❖ **قلمرو ادبی:** قالب: غزل اجتماعی / دل: مجاز از خود شاعر / کم و بیش، بیش و کم: تضاد و مجاز از مادیات و وابستگی مادی / واژه آرایی: کم، بیش، غم، نداشت / غم کم و بیش نداشتن: کنایه از در بند مادیات نبودن / کم، غم: جناس ناهمسان / واج آرایی: صامت «ش» و «م» / غم سوم: مجاز از فکر و دغدغه / کم و بیش، بیش و کم: عکس و طرد.

❖ **قلمرو فکری:** من هرگز در بند مادیات و داشتن و نداشتن نبوده ام. هر کس در بند جهان مادی نباشد غم، نخواهد داشت.

❖ **مفهوم:** وارستگی از تعلقات مادی و دنیوی / قناعت ورزی.

❖ **قربت معنایی:**

- ❖ ۱. هم ز شادی فارغم کم هم ز غم * * هم ز بیش و هم کمتر ز کم
- ❖ ۲. خاطر آزادگان بند کم و بیش نیست * * مردم کوتاه نظر در غم بیش و کمند
- ❖ ۳. ما فراغ از غم بیش و کم عالم داریم * * غم نداریم اگر بیش و گر کم داریم
- ❖ ۴. این رباط دو در چون ضرورت است رحیل * * رواق و طاق معیشت چه سربلند و چه پست

۲- در دفتر زمانه فتد نامش از قلم * * هر ملّتی که مردم صاحب قلم نداشت

❖ **قلمرو زبانی:** ۲ جمله / (هر ملّتی، در دفتر زمانه فتد نامش از قلم: جمله هسته یا پایه) / (که: حرف ربط وابسته ساز) / (آن ملت] مردم صاحب قلم نداشت: جمله وابسته یا پیرو) / جمله هسته: شیوه بلاغی / دفتر: متمم / زمانه: مضاف الیه / فتد: می افتد: مضارع اخباری: (بن ماضی: افتاد، بن مضارع: افت) / نامش: گروه نهادی: ضمیر «ش»: مضاف الیه / قلم: متمم / هر ملّتی: ترکیب وصفی: نهاد جمله هسته / که: حرف ربط / [آن ملت] مردم صاحب قلم نداشت / مردم صاحب قلم: ترکیب وصفی: مردم: مفعول / ترکیب وصفی: هر ملّتی ، مردم صاحب قلم / ترکیب اضافی: دفتر زمانه ، نامش.

❖ **قلمرو ادبی:** دفتر زمانه: اضافه تشبیهی / نامش از قلم فتد: کنایه از فراموش شدن / مردم صاحب قلم: کنایه از نویسندگان، شاعران و اندیشمندان / واژه آرایی: قلم / مراعات نظیر: دفتر، قلم، صاحب قلم / واج آرایی «م» / قلم: مجاز از نوشته و اندیشه.

❖ **قلمرو فکری:** هر ملّتی که مردم دانا و دانشور نداشته باشد، نامش در درازنای تاریخ فراموش خواهد شد.

❖ **مفهوم:** ارزشمند بودن اندیشمندان / ستایش علم و خرد و دانش.

تو مرغ آبی برین در برهمنی است / غمگینم که آنقدر غم به من است
 نیست در چه همه می‌گویم که بود / غمزدی به چنگ و زلفه‌های است
 کفنی می‌میدان در گاه می‌شود / بلیغ که بر کسب کند مثل من است
 ندی که نه در دست اینست که / زلفه‌های گلی که خاک و جفا است
 پنداری که نه در شرفه، غن برهمنی / به آن بهار کسب می‌کند که آن است
 آن کی که در این کسب می‌کند / غمت در چینی که که که برهنی است

مهدی قاسمی - تهران

در نامه درس سوم پایه دوازدهم: «آزادی- دفتر زمانه»: فرزاد محسن کوهپشت- آبان ماه ۱۳۹۹- تیسری

۳- در پیشگاه اهل خرد نیست محترم / هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت

❖ **قلمرو زبانی:** ۲ جمله / (هر کس در پیشگاه اهل خرد، نیست محترم: جمله هسته یا پایه) / (که: حرف ربط وابسته‌ساز) / [او : حذف نهاد اختیاری] فکر جامعه را محترم نداشت: جمله وابسته یا پیرو / جمله هسته: شیوه بلاغی / پیشگاه اهل خرد: گروه متممی / اهل خرد: صفت جانشین اسم: [مردم] اهل خرد: (مردم خردمند) / پیشگاه: بارگاه / اهل خرد: خردمند / هر کس: ترکیب وصفی: گروه نهادی / که: حرف ربط / [او]: نهاد محذوف / فکر: مفعول / جامعه: مضاف الیه / محترم: مسند / نداشت: جمله ۴ جزئی با مفعول و مسند / نیست: جمله سه جزئی با مسند. / فکر جامعه: منظور آرای اکثریت جامعه و انتخابات است.

❖ ترکیب اضافی: پیشگاه اهل خرد ، فکر جامعه / ترکیب وصفی: هر کس. فکر و خرد: رابطه معنایی تناسب.

❖ **قلمرو ادبی:** پیشگاه: مجاز از دیدگاه و نظر و اندیشه / جامعه: مجاز از مردم جامعه / واژه آرای: محترم / واج آرایی: «ر»

❖ **قلمرو فکری:** هر کس که به مردم ارج نهد و خرد جمعی را نپذیرد، در نظر خردمندان ارجمند و گرامی نخواهد بود.

❖ **مفهوم:** لزوم احترام گذاشتن به اندیشه‌ها و آرمان‌های مردم جامعه.

تو مرغ آبی در بر منی است / منک می که آن مرغ من است
 گشت در چه حس می هم که بود / غمزدی به بختی که در غم من است
 کفری می هم جان در ده گاه خوش / بختی که بر کسی که مثل من است
 ندی که نه در دست اینست که / ز بخت می که می که تا کجا می آید
 پنداری که نه در غم من / پنداری که نه در غم من
 آن کی که در این گس می هم / گس می که در این گس می هم

دیوان شاعر: سید محمد تقی میر

در نامه درس سوم پایه دوازدهم: «آزادی - دفتر زمانه»: فرزاد محان کوهپشت - آبان ماه ۱۳۹۹ - تیسری

۴ - با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است / ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت

❖ **قلمرو زبانی:** ۳ جمله / مصرع اول: جمله وابسته یا پیرو / ما را فراغتی است: جمله هسته یا پایه / که جمشید جم نداشت: جمله وابسته یا پیرو / آنکه: متمم (با آنکه: حرف ربط وابسته ساز) / که: حرف ربط وابسته ساز / جیب و جام: گروه نهادی، جام: معطوف به نهاد / من: مضاف الیه / مال: متمم / واو عطف / می: معطوف به متمم / تهی: خالی: مسند / (ما را فراغتی است): ۱. را: به معنای دارندگی و مالکیت و تغییر فعل: (ما فراغتی داریم) و یا ۲. به معنای حرف اضافه «برای»: (برای ما، فراغتی وجود دارد) / (گزینه دوم ارجحیت دارد). ما: متمم / فراغتی: نهاد / است: غیر اسنادی (وجود دارد) / فراغت: آسایش و آرامش / که: حرف ربط وابسته ساز / که جمشید جم (آن فراغت را (نداشت: حذف مفعول: فراغت (حذف به قرینه لفظی) / جم: پادشاه بزرگ، مخفف جمشید، پسر طهمورث، چهارمین پادشاه پیشدادی (جم چون مخفف جمشید است، پس حشو محسوب می شود) / تناسب: جیب و جام ، جام و می. جام و جمشید / انصاف و عدل: رابطه معنایی ترادف / ترکیب وصفی: ندارد. / ترکیب اضافی: (جیب من ، جام من ، جمشید جم).

❖ **قلمرو ادبی:** جیب و جام از مال و می تهی است: کنایه از فقیرم و شاد نیستم / واج آرای «ج»، «م»، «ی» / تلمیح به داستان جمشید، پادشاه پیشدادی / جناس: جام، جم؛ مال، ما / لف و نشر: جیب ← مال؛ جام ← می / تهی بودن جیب از مال: کنایه از تهی بودن جام از می: کنایه از نداشتن رفاه و خوشی / جناس: (مال، ما) - (جام، جم) (با، ما) / مراعات نظیر: جام و می - جام و جمشید - جیب و مال / مال: مجاز از دارایی و ثروت / می: مجاز از خوشی و لذت دنیوی.

❖ **قلمرو فکری:** با آن که من تهیدستم و رفاه ندارم؛ اما آسایش و آرامشی دارم که جمشید آن آرامش را نداشت.

❖ **مفهوم:** داشتن آرامش با وجود تهیدستی / آسایش و فراغت در عین تنگدستی / بلندنظری شاعر

تذوق این بیت در برهمنی است
 نخست در چه مسه می‌بزم که بود
 خردی و بختی که در غنچه‌های است
 بختی که بر کسی کشد مثل من است
 ندای که نه در دست ایندک آید
 زلف و نای که می‌نکند چنان آید
 پنداری که نه در غنچه‌های برهمنی
 پستی پندار کسی که نه در کنی است
 آن کی که در این گنجه‌های گنجد
 گشت در چینی که نه در بری است

دیوان شعر و ادب فارسی

در نامه درس سوم پایه دوازدهم: «آزادی- دفتر زمانه»: فرزاد محان گویدشت- آبان ماه ۱۳۹۹- تیموری

۵- انصاف و عدل داشت موافق بسی ولی *** چون فرخی موافق ثابت قدم نداشت

- ❖ **قلمرو زبانی:** ۲ جمله / جمله اول: شیوه بلاغی / انصاف و عدل: گروه نهادی، عدل: معطوف به نهاد / موافق: مفعول / بسی: قید؛ بسی: بسیار / ولی: حرف هم‌پایه‌ساز / چون: مانند؛ حرف اضافه / فرخی: متمم؛ فرخی: نام هنری سخنور / موافق: مفعول / ثابت قدم: استوار رای، دارای اراده نیرومند، ثابت رای و ثابت عزم / موافق: هم رای و همراه، همداستان / چون فرخی، [انصاف و عدل] موافق ثابت قدم نداشت: (حذف به قرینه لفظی) / انصاف و عدل: رابطه معنایی مترادف / ترکیب اضافی: ندارد / ترکیب وصفی: موافق ثابت قدم.
- ❖ **قلمرو ادبی:** چون فرخی: تشبیه / موافق: واژه آرایی / داشت، نداشت: تضاد / ثابت قدم بودن: کنایه از پایدار و استوار / تشخیص و استعاره: موافق و همراه داشتن انصاف و عدل / واج آرایی: «م» / مراعات نظیر: انصاف و عدل.
- ❖ **قلمرو فکری:** بسیاری از مردم با انصاف و عدالت همراهی و همداستان بودند؛ اما کسی مانند فرخی برای دادگستری و عدالت پیشگی پایدار و استوار نبود.
- ❖ **مفهوم:** عدالت‌خواهی، استوار و ثابت قدم بودن در راه عدل و انصاف، سهل‌انگاری مردم در اجرای عدل و انصاف.

دیوان اشعار فرخی یزدی

در نامه درس سوم پایه دوازدهم: «آزادی - دفتر نامه»: فرزاد محبان کوهپشت - آبان ماه ۱۳۹۹ - تیسری

کارگاه متن پژوهی

۱- معنای واژه «همت» را در بیت‌های زیر بررسی کنید.

الف (همت اگر سلسله جنبان شود / مور تواند که سلیمان شود) «وحشی بافقی»

پاسخ: ← «همت»: «اراده و کوشش، عزم»

ب (همت بدرقه راه کن ای طایر قدس / که دراز است ره مقصد و من نو سفرم) «حافظ»

پاسخ: ← «همت»: «طلب دعای خیر» و عنایت و توجه از روح پیر یا مرشد برای رسیدن به کمال است.

کارگاه متن پژوهی

کدام یک از ترکیب‌ها و واژه‌های مشخص شده معلوم‌سازی دارد؟ دلیل خود را بنویسید.
الف) هفتادگانه سلسله‌های خنود - صورت - کوزه - کله - سلیمان - وحشی‌ها
ب) هفتادگانه سلسله‌های خنود - صورت - کوزه - کله - سلیمان - وحشی‌ها
ج) در کدام بیت‌ها یکی از اجزای جمله حذف شده است؟ نوع حذف را مشخص کنید.

کدام یک از ترکیب‌ها و واژه‌های مشخص شده معلوم‌سازی دارد؟ دلیل خود را بنویسید.
الف) هفتادگانه سلسله‌های خنود - صورت - کوزه - کله - سلیمان - وحشی‌ها
ب) هفتادگانه سلسله‌های خنود - صورت - کوزه - کله - سلیمان - وحشی‌ها
ج) در کدام بیت‌ها یکی از اجزای جمله حذف شده است؟ نوع حذف را مشخص کنید.

کدام یک از ترکیب‌ها و واژه‌های مشخص شده معلوم‌سازی دارد؟ دلیل خود را بنویسید.
الف) هفتادگانه سلسله‌های خنود - صورت - کوزه - کله - سلیمان - وحشی‌ها
ب) هفتادگانه سلسله‌های خنود - صورت - کوزه - کله - سلیمان - وحشی‌ها
ج) در کدام بیت‌ها یکی از اجزای جمله حذف شده است؟ نوع حذف را مشخص کنید.

در نامه درس سوم پایه دوازدهم: «آزادی - دقمرنما»: فرزاد کمان کوهپشت - آبان ماه ۱۳۹۹ - تیموری

۲- در کدام بیت‌ها، یکی از اجزای جمله حذف شده است؟ نوع حذف را مشخص کنید.

بیت ۳: فکری ای هموطنان در ره آزادی خویش / بنمایید که هر کس [فکری] نکند، مثل من است ←
(حذف مفعول به قرینه لفظی).

بیت ۴: خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد / ز اشک ویران گُش آن خانه که [آن خانه] بیت الحزن است ←
(حذف نهاد به قرینه لفظی)

بیت ۵: جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن / بدر آن جامه که [آن جامه] ننگ تن [است] و [آن جامه] کم از کفن است ←
(همگی حذف‌ها، حذف به قرینه لفظی هستند).

بیت ۱: هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت / آری [دلم] نداشت غم که [دلم] غم بیش و کم نداشت ←
(حذف نهاد به قرینه لفظی)

بیت ۴: با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است / ما را فراغتی است که [آن فراغت را] جمشید جم نداشت ←
(حذف مفعول به قرینه لفظی)

بیت ۵: انصاف و عدل داشت موافق بسی ولی / چون فرخی، [انصاف و عدل] موافقِ ثابت قدم نداشت ←
(حذف نهاد به قرینه لفظی)

در شماره درس سوم پایه دوازدهم: «آزادی - دفتر زمزمه»: فرزا محمان کوهپشت - آبان ماه ۱۳۹۹ - تیسری

کارگاه متن پژوهی

قلمرو ادبی

قلمرو زبانی
 ■ معانی واژه هفتگانه را در بیت‌های زیر بررسی کنید.
 ■ تفاوت هفتگانه را مشخص کنید. مورد توجه: کلمه سلیمان شکر و معنی هفتگانه
 ■ با استفاده از واژه‌ها در این پاراگراف، کلمات را دسته‌بندی کنید و مفهوم هفتگانه
 ■ در کدام بیت‌ها یکی از اجزای جمله حذف شده است؟ نوع حذف را مشخص کنید.

قلمرو ادبی
 ■ کدام یک از ترکیب‌ها و واژه‌های مشخص شده مفهوم مجازی دارد؟ دلایل خود را بنویسید.
 ■ آیا با توجه به این بیت همه بهر وطن است. مسکنی در قفس هم چو من است
 ■ با استفاده از واژه‌ها در این بیت‌ها، معنی‌های مختلف را مشخص کنید.
 ■ در بیت‌های اول و دوم و نالدی، چنانچه هر پرده بر بالای سر یعقوب بود، بنالید.
 ■ معنی این بیت‌ها
 ■ با توجه به بیت‌های زیر، به پریش‌ها پاسخ دهید.
 ■ با ناله صیحه و طرم بر آواز می‌رود است. ما از قفس است که جفتی هم نداشت
 ■ در دفتر زمزمه، حذف کلماتی از قلم. هر کلماتی که مردم صاحب‌قلم نداشتند
 ■ (الف) درباره تصحیح به کار رفته در بیت اول توضیح دهید.
 ■ (ب) معنی‌های مشخص شده را با توجه به (الف) تکمیل کنید. بررسی کنید.

قلمرو فکری
 ■ قلمرو ادبی، نمونه‌ای از دستور و مانی طرف قزوینی است که به منطقه بنگالکان و بهادری

۱- کدام یک از ترکیب‌ها و واژه‌های مشخص شده، مفهوم مجازی دارند؟ دلایل خود را بنویسید.

الف (ناله مرغ اسیر این همه بهر وطن است / مسلک مرغ گرفتار قفس، همچو من است

پاسخ: ← «مرغ اسیر» معنای مجازی دارد؛ زیرا در معنای حقیقی خود به کار نرفته و به معنی شاعر: عارف قزوینی، یا هر انسان آزادی‌خواه است؛ اما «مرغ گرفتار» در معنای حقیقی خود (پرندۀ اسیر در قفس) به کار رفته است.

ب (نشاط غربت از دل، کی برد حبّ وطن بیرون / به تخت مصرم، اما جای در بیت الحزن دارم

پاسخ: ← در این بیت «بیت الحزن» استعاره از میهن سراینده است.

پ (در بیت الاحزان درآمد و نالید؛ چنانچه هر پرندۀ بر بالای سر یعقوب بود، بنالید.

پاسخ: ← معنای حقیقی دارد نه مجازی؛ و معنی خانه اندوه می دهد؛ خانه‌ای که حضرت یعقوب ساخته بود و به همین اسم مشهور بود.

کارگاه متن پژوهی

دستنامه درس سوم پایه دوازدهم: «آزادی - دفتر زمانه»: فرزاد محمان کوهدشت - آبان ماه ۱۳۹۹ - تیموری

توضیح: این متن در مورد بررسی است.
هدف: شناختن سبک زندگی و سبک زندگی در گذشته و سبک زندگی در حال حاضر.
موضوع: سبک زندگی در گذشته و سبک زندگی در حال حاضر.
روش: روش توصیفی و روش تحلیلی.
نتیجه: سبک زندگی در گذشته و سبک زندگی در حال حاضر.
توضیح: این متن در مورد بررسی است.
هدف: شناختن سبک زندگی و سبک زندگی در گذشته و سبک زندگی در حال حاضر.
موضوع: سبک زندگی در گذشته و سبک زندگی در حال حاضر.
روش: روش توصیفی و روش تحلیلی.
نتیجه: سبک زندگی در گذشته و سبک زندگی در حال حاضر.

۲ - با توجه به بیت‌های زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است * * ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت

در دفتر زمانه فتد نامش از قلم * * هر ملتی که مردم صاحب قلم نداشت

الف) درباره تلمیح به کار رفته در بیت اول توضیح دهید.

پاسخ: ← این بیت اشاره به «داستان جمشید»، یکی از پادشاهان اساطیری ایرانی که ارتشی نیرومند، سرمایه فراوان و پادشاهی‌ای طولانی داشت وی همچنین جامی جهان‌بین داشت که می‌توانست در آن از آینده باخبر گردد. جمشید به دلیل تکبر و خودبینی، فره ایزدی را از دست داد و به دست ضحاک کشته شد.

ب) مصراع‌های مشخص شده را با توجه به آرایه «کنایه» بررسی کنید.

پاسخ: ← تهی بودن جیب از مال: کنایه از فقیر بودن / تهی بودن جام از می: کنایه از شاد نبودن، خوشی نداشتن / از قلم افتادن: کنایه از فراموش شدن

محمدعلی شاه که در آن دوره با توجه به این نکته علمی و معلوم بیست‌های زیر را بنویسد.
«آن کسی را که در این ملک تسلیم کردیم / ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است
قلمرو بیگانه‌ها را دست‌انداختند / زانکه پروان آتش آن شاه که بیگانه‌هاست است»
در متن درس مقصود از موارد زیر چیست؟
کلمه «افغان» که به طرف چپ است
شما مردم صاحب قلم
به نظر می‌آید که محتوای این بخش مسائل سیاسی و اجتماعی است. اول اجتماعی می‌گویند
در عصر مشروطه یا توجه به درگوشی‌های سیاسی و اجتماعی، این نوع قول رایج باشد؛ در
موضوعات تاریخی چون محمدعلی شاه، «بارک خروسی» و فرض بر این می‌توان توجه‌های
آن را یافت
هزار این دیدگاه متن درس را تحلیل و بررسی کنید.
فرض بر این است که خود را با کدام ویژگی معرفی می‌کند؟
با توجه به اشعار یادشده، مفهوم مشترک اشعار زیر را بنویسید.
جملاتش گویای غری به همین مهر وصال / بر آن خانه که سنگان و کمران است
مردم افغان
عزیزی ز جان و دل می‌کند در این مملکت / دل بشر استغفال، جان فدای آزادی
فرض بر این

کارگاه متن پژوهی

قلمرو فکری

۱- شعر «آزادی»، نمونه‌ای از اشعار وطنی عارف قزوینی است که به سلطه بیگانگان و بیدادگری محمد علی شاه اشاره دارد؛ با توجه به این نکته و مفهوم بیت‌های زیر را بنویسید.

آن کسی را که در این ملک سلیمان کردیم / ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است
قلمرو فکری: آن کسی را که در این سرزمین (ایران) به پادشاهی رساندیم، امروز مردم مطمئن شدند که او شیطان است.

مفهوم: ← محمدعلی شاه ظالم شایستگی پادشاهی ندارد بیدادگر و ظالم است؛ دست نشانده بیگانگان است و مردم، به اشتباه او را پادشاه کردند. (محمدعلی شاه، پادشاه ظالمی است).

خانه‌ای که کاو شود از دست اجانب آباد / ز اشک ویران گنش آن خانه که بیت‌الحزن است
قلمرو فکری: آن کشوری که با تدبیر و حمایت بیگانگان آباد شود؛ آن را با اشک ویران کن؛ زیرا آن خانه، خانه غم و اندوه است.

مفهوم: ← تکیه داشتن مردم به خود - بیگانه ستیزی و مبارزه با بیگانگان.

۲- در متن درس، مقصود از موارد زیر چیست؟

الف) رفیقی که به طرف چمن است) ← دوستان آزاد شاعر که نسبت به وضعیت کشورشان بی تفاوت هستند، و برای آزادی آن تلاشی نمی‌کنند.

ب) مردم صاحب قلم ← کنایه از روشنفکران، نویسندگان و شاعران خردمند.

کارگاه متن پژوهی

قلمرو فکری

۳- به غزل‌هایی که محتوای آنها بیشتر مسائل سیاسی و اجتماعی است، «**غزل اجتماعی**» می‌گویند؛ در عصر مشروطه با توجه به دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی، این نوع غزل رواج یافت؛ در سروده‌های شاعرانی چون **محمدتقی بهار**، **عارف قزوینی** و **فرخی یزدی** می‌توان نمونه‌های آن را یافت .
گوشزد: گونه‌های غزل ← ۱- عاشقانه) سعدی (۲- عارفانه) مولانا (۳- تلفیقی) حافظ (۴- اجتماعی

از این دیدگاه، متن درس را تحلیل و بررسی کنید.

تا پیش از مشروطیت، غزل درون‌مایه‌ای کاملاً عاشقانه و عارفانه داشت؛ اما پس از مشروطه درون‌مایه غزل، سیاسی - اجتماعی شد و شعرا و نویسندگان به بازتاب مسائل سیاسی و اجتماعی در آثار خود بودند. هر دو غزل در این بیان مسائل سیاسی - اجتماعی توجه دارد. «**آزادی خواهی، وطن پرستی، بیگانه‌ستیزی**» و ... از جمله مسائل مهمی اند که این دو شاعر به آنها پرداخته‌اند و جنبه اجتماعی غزل‌ها را تقویت می‌کنند.

محدث شاهنامه نگار دارد یا توجه به این نکته سعی و معلوم بیت‌های زیر را بنویسید.

- آن کسی که در این بخش‌ها گردید
- شاهای که خود را دست‌نایب آید
- از من درس بطور اولی بر چیست؟
- الف را ف که به طرف چمن است
- با مردم صاحب‌ظلم
- به قولی که جانوی آید بیشتر مسائل سیاسی و اجتماعی است. قول انجمنی می‌گفتند
- در مصر مشروطه با توجه به دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی، این نوع قول رایج یافتند در
- سرودهای شاعرانی چون محمدتقی بهار، طرف‌القدس و فرخنده‌ی سرودهای سرودهای
- آن یافتند.
- حال این نکته مدن درس را تحلیل و بررسی کنید.
- فرخنده‌ی در بیت آخر خود را با کدام ویژگی معرفی می‌کند؟
- با توجه به ابیات پایدار، مضمون مشترک ابیات زیر را بنویسید.
- جمله‌ای که نشود غرق به خون بهر وطن
- بذر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است
- دل نثار استقلال، جان فدای آزادی
- فرخی ز جان و دل می‌کند در این محفل
- جان نثار استقلال، جان فدای آزادی
- فرخی ز جان و دل می‌کند در این محفل

کارگاه متن پژوهی

قلمرو فکری

۴- فرخی یزدی، در بیت آخر، خود را با کدام ویژگی معرفی می‌کند؟

پاسخ: ← عدالت خواهی و ثابت قدم بودن او در راه عدل و انصاف.

۵- با توجه به ادبیات پایداری، مضمون مشترک ابیات زیر را بنویسید.

جامه‌ای کاو نشود غرق به خون بهر وطن * * * بذر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است (عارف قزوینی)
فرخی ز جان و دل می‌کند در این محفل * * * دل نثار استقلال، جان فدای آزادی (فرخی یزدی)

پاسخ: ← پیام مشترک: شهادت طلبی، جانفشانی در راه میهن و آزادی، بیگانه ستیزی



گنج حکمت: خاکریز



نوع ادبی: ادبیات پایداری * * خاکریز: سنگر

مفهوم: ایثار و پشتکار رزمندگان، خلاقیت، امیدواری و تلاش زیاد و روحیه بالا، ایمان و توکل به خداوند.

در لحظات اول عملیات که خطوط دشمن شکسته شد، پشت سر نیروهای ما ارتفاعات موسوم به «کله قندی» بود که دشمن با استقرار سلاح‌های زیادی قلّه را در دست داشت. شهید ساجدی با توجه به اینکه نسبت به همه مسائل آگاهی داشت، روحیه خود را نباخته، احداث یک خاکریز دوجداره را تنها راه حل می‌دانست. با توجه به امکانات محدود مهندسی و دید و تسلط دشمن، قبول و اجرای این طرح خیلی سخت بود. به ویژه که لازم بود در فاصله زمانی شب تا سپیده دم اجرا و احداث می‌شد؛ ولی ایشان به اجرای این طرح، ایمان داشت و با قاطعیت می‌گفت: «خاکریز را صبح تحویل می‌دهیم».

بررسی نکات زبانی و ادبی مهم: لحظات اول عملیات: یک ترکیب وصفی و یک ترکیب اضافی / عملیات: اجرای طرح‌های نظامی / خطوط: جاز خط: در اینجا مجازاً قدرت دشمن / خطوط دشمن شکسته شد: کنایه از شکست و عقب نشینی / عملیات شکسته شد: جمله مجهول / موسوم: نامیده (شده) / کله قندی: در عملیات والفجر ۳ در این مکان / استقرار: پابرجا شدن، قرار یافتن. در دست داشت: کنایه از در اختیار داشت (دست: مجاز از قدرت و در اختیار خود داشتن) // شهید: شاخص / باختن: از دست داشتن (بن ماضی: باخت؛ بن مضارع: باز) / روحیه خود را نباخته بود: کنایه از امیدوار بودن و بر خود مسلط بودن / ناامید شدن / احداث: پدید آوردن / خاکریز: پشته خاک، سنگر / احداث یک خاکریز دوجداره: (هسته/ صفت شمارشی) (صفت مضاف‌الیه) / مضاف‌الیه) یک و دوجداره: هر دو وابسته وابسته از نوع مضاف‌الیه مضاف‌الیه هستند. تنها راه حل می‌دانست: تنها راه حل: مسند / دوجداره: دارای دو جدار (جدار: دیوار) طرح خیلی سخت: خیلی: (قید صفت / لازم بود: جمله وابسته) سپیده دم: پگاه، صبح زود / تضاد: شب و سپیده دم / سپیده دم: وندی - مرکب. / یک و دو: تناسب. / اجرای این طرح: (هسته/ صفت مضاف‌الیه / مضاف‌الیه) / ترکیب اضافی: خطوط دشمن، دید دشمن، تسلط دشمن / ترکیب وصفی: لحظات اول، سلاح‌های زیادی، یک خاکریز، خاکریز دوجداره. (دو جداره: صفت وندی - مرکب) /

مفهوم: آگاهی کامل، روحیه قوی، سختی کار، اطمینان از نتیجه کار.



گنج حکمت: خاکریز



عملیات احداث خاکریز شروع شد. آن شب برادران جهاد و در رأس آنها شهید ساجدی، آرام و قرار نداشتند. در اولین دقایق صبح، احداث این خاکریز هشت نه کیلومتری به پایان رسید و خاکریزی که به کمک دو نیروی مهندسی شروع شده بود، تقریباً در وسط به هم رسیدند و اتمام خاکریز روحیه عجیبی در بین برادران جهادگر و رزمنده ایجاد کرد؛ اما این کار، شهید ساجدی را راضی نمی‌کرد. او پیش بینی می‌کرد که با توجه به تسلط دشمن بر ارتفاعات روبه‌رو و ارتفاعات پشت، امکان زیرآتش گرفتن بچه‌ها وجود دارد؛ به همین دلیل، مرحله دوم کار را شروع کرد. خاکریزی به طول چند کیلومتر در پشت خاکریز اول که از آن به عنوان خاکریز دو جداره یاد می‌شود، احداث نمود.

آن روز با تدبیر حساب شده شهید ساجدی، رزمندگان توانستند در برابر نیروهای دشمن مقاومت کنند و به پیروزی برسند.

بررسی نکات مهم زبانی و ادبی: عملیات احداث خاکریز: گروه نهادی (هسته/ مضاف‌الیه/ وابسته وابسته از نوع م الیه م الیه)/ شروع: مسند/ شد: فعل اسنادی/ آن شب: ترکیب وصفی در نقش قید زمان/ به پایان رسید: عبارت فعلی (فعل مرکب پیشوندی) رأس: بالاترین نقطه، سر / شهید: شاخص / دقایق: ج دقیقه / احداث این خاکریز هشت - نه کیلومتری: این (وابسته وابسته از نوع صفت مضاف‌الیه) روحیه: امیدواری، حالت عاطفی / دو نیروی مهندسی: دو ترکیب وصفی / روحیه عجیب: ترکیب وصفی (جهادگر و رزمنده هر دو صفت فاعلی هستند) راضی: مسند، خرسند (هم‌آوا؛ رازی: اهل ری/ تسلط: چیرگی / زیر آتش گرفتن: کنایه از گلوله باران کردن، آتش: مجاز از گلوله و تیر/ تدبیر: چاره‌گری، چاره اندیشی/ احداث نمود: احداث: مسند / تدبیر حساب شده شهید ساجدی: (هسته/ صفت مفعولی/ شاخص/ مضاف‌الیه) **مراعات نظیر:** خاکریز، احداث، مقاومت، شهید / حساب شده: کنایه از سنجیده.

ترکیب وصفی: آن شب . اولین دقایق. این خاکریز. روحیه عجیبی. این کار. دو نیروی مهندسی . خاکریز دوجداره. تدبیر حساب شده. ارتفاعات روبه‌رو. ارتفاعات پشت. چند کیلومتر. خاکریز اول / ترکیب اضافی: برادران جهاد. تسلط دشمن. تدبیر ساجدی. نیروهای دشمن.

مفهوم: تدبیر و اندیشه، موجب موفقیت است/ تلاش و پشتکار و تقویت روحیه رزمندگان/ آینده‌نگری.

روایت سنگ‌سازان ۲ - عیسی سلمان لطف آبادی







پایان



در – خانه – بمانیم، کرونا

را شکست دهیم.

با آرزوی تندرستی برای شما عزیزان



درخت تو گر بار دانش بگیرد

به زیر آوری چرخ نیلوفری را

امید که بابالهای اندیشه قوی خود به سرزمین آرزوهایتان راه بیابید.